



Comparative Study of Divisible lawsuits and Separation of Lawsuits in the Civil Procedure of Iran and France

Amin Oji¹, Iraj Pour Erfan^{2*}, Hekmatullah Askari³

1. PhD student in private law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor of Private Law Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Assistant Professor of Private Law Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 717-734

Article history:

Received: 6 Feb 2023

Edition: 7 Mar 2023

Accepted: 29 Mar 2023

Published online: 1 Nov 2023

Keywords:

litigation, divisibility of litigation, division of litigation, civil procedure.

Corresponding Author:

Iraj Pour Erfan

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Private Law Department.

Orchid Code:

Tel:

07136410041

Email:

irajpourefan@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: Divisibility or indivisibility of a lawsuit is one of the important topics and issues of civil procedure, which is of great importance and necessity. The purpose of this article is a comparative study of separable lawsuits and separation of lawsuits in the civil procedure of Iran and France.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings of the research show that both in Iranian law and in French law, the concept of divisible and indivisible litigation is raised in the plurality of litigants; When the number of applicants or readers is more than one person. If the rights and interests of the litigants can be separated from each other in such a way that the actions and actions of each of them, as well as the decisions of the court, do not affect the plaintiffs or other plaintiffs, it is called a separable lawsuit; Otherwise, this suit is indivisible.

Conclusion: The civil procedure law does not have an explicit provision regarding the separation between lawsuits and the combination of several lawsuits in one proceeding, and the type of judge's decision is not foreseen in both cases. Also, the lawgiver has kept silent about the divisibility of the lawsuit and the judge's decision in the assumption that he has to split the lawsuit.

Cite this article as:

Oji A, Pour Erfan I, Askari H. Comparative Study of Divisible lawsuits and Separation of Lawsuits in the Civil Procedure of Iran and France. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی دعوای قابل تجزیه پذیر و تفکیک دعوا در آئین دادرسی مدنی ایران و فرانسه

امین اوجی^۱، ایرج پورعرفان^{۲*}، حکمت‌اله عسکری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تجزیه‌پذیری یا تجزیه‌ناپذیری دعوی یکی از موضوعات و مسائل مهم آئین دادرسی مدنی است که تبیین آن اهمیت و ضرورت بالایی دارد. هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی دعوای قابل تجزیه و تفکیک دعوا در آئین دادرسی مدنی ایران با فرانسه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، مفهوم دعوای قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه در تعدد اصحاب دعوا وقتی مطرح می‌شود که تعداد خواهان‌ها و یا خواندگان بیش از یک نفر باشد. در صورتی که حقوق و منافع اصحاب دعوا به نحوی از یکدیگر قابل تجزیه باشند که اعمال و اقدامات هر یک از آن‌ها و هم‌چنین تصمیمات دادگاه بر خواهان‌ها یا خواندگان دیگر اثر نگذارد، به آن دعوای قابل تجزیه می‌گویند: در غیر این صورت این دعوا غیر قابل تجزیه است.

نتیجه: در مورد تفکیک بین دعاوی و جمع چند دعوی ضمن یک دادرسی، قانون آئین دادرسی مدنی مقرر صریحی ندارد و نوع تصمیم قاضی در هر دو مورد پیش‌بینی نشده است. در مورد قابلیت تجزیه بودن دعوی و تصمیم قاضی در فرضی که ناچار است دعوی را تجزیه کند نیز قانون‌گذار سکوت اختیار کرده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱۷-۷۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

واژگان کلیدی:

دعوا، تجزیه‌پذیری دعوا، تفکیک دعوا، آئین دادرسی مدنی.

نویسنده مسئول:

ایرج پورعرفان

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

تلفن:

۰۷۱۳۶۴۱۰۰۴۱

پست الکترونیک:

irajpourerfan@gmail.com

۱. مقدمه

موضوع تجزیه‌پذیری برای نخستین بار در ماده ۱۸۸ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۱۸ تحت عنوان «قاعده عدم تسری اعتراض» مورد شناسایی قرار گرفت. بر اساس این قاعده، موضوع تجزیه‌پذیری دعوا تنها در زمینه تسری رأی صادره در نتیجه اعتراض، در این قانون مورد توجه قرار گرفته بود. قانون‌گذار فرانسوی نیز در ق.آ.د.م (مصوب ۱۹۷۵ م)، از تقسیم‌بندی جدیدی برای حل مشکلاتی که در فرض تعدد اصحاب دعوی وجود دارد، بهره برده است و از حیث تسری اقدامات انجام‌شده از سوی برخی از طرفین، در قبال حقوق دیگران، دعای را قابل تجزیه یا غیر قابل تجزیه دانسته است که در فرض اول، اقدام هیچ یک از آن‌ها برای دیگری نفع و ضرری ندارد؛ اما در فرض دوم، اقدام هر یک از طرفین ممکن است در حقوق دیگران هم مؤثر واقع شود (ماده ۳۲۴). قانون‌گذار ایران در مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ قانون جدید ق.آ.د.م، مقرراتی را در رابطه با تجزیه دعوی آورده است؛ اما مفهوم تجزیه دعوی را بیان نکرده است و معیاری برای شناسایی آن نیز تعیین نکرده است. علاوه بر آن در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ از همان قانون به اثر رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک در مرحله اعتراض به آرا اشاره کرده است. در واقع قانون‌گذار با وجود به‌کار بردن متعدد این اصطلاح، تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد؛ اما این موضوع در حقوق فرانسه به‌صورت صریح مورد تصریح قرار گرفته است.

ذهن حقوق‌دانان بیشتر مأنوس با دعای بسیط و ساده است؛ دعوایی که هر دو سوی آن فقط یک نفر است. خواهان و خوانده و نیز دادگاه حقوقی در حل و فصل چنین دعوایی با مشکلات کمتری مواجه

هستند. هم‌اکنون با پیچیده شدن روابط اجتماعی، دعاوی مدنی و بازرگانی از قالب‌های عادی و مرسوم خود تهی شده‌اند و با گسترش مناسبات تجاری و روابط صنعتی در قالب مشارکت‌های مدنی و تجاری که متضمن اشخاص متعدد است دعاوی پیچیده یا دسته‌جمعی به‌طور فزاینده‌ای در حال طرح هستند. هنگامی که اصحاب دعوا متعدد می‌شوند، دو حالت متصور است: یا حقوق و منافع اصحاب دعوا مستقل از یکدیگر است که در این صورت به آن دعوی قابل تجزیه می‌گویند و یا حقوق و منافع آنان آن‌قدر وابسته و بافته به یکدیگر است که تفکیک آن‌ها به‌آسانی میسر نیست. این وابستگی و تجزیه‌ناپذیری باعث ایجاد تغییراتی در حقوق اشخاص می‌شود. نبود تعریف صریح قانونی و هم‌چنین عدم تبیین مصادیق دعوی قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه باعث نبود شناخت صحیح و هم‌چنین ارائه تعاریف و مصادیق گوناگون و متفاوت از سوی حقوق‌دانان و صدور آرای قضایی معارض متعدد در این زمینه شده است. در خصوص تجزیه‌پذیری دعوی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. خلیل احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای، اثر رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک در مراحل مختلف شکایت از رأی را مورد بررسی قرار داده است. حسن محسنی (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای، مفهوم و آئین دادرسی دعوا و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک را بررسی کرده است. فاطمه اتابکی و سید جعفر هاشمی باجگانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، انواع دعوی بین اشخاص مختلف را با تأکید بر دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک بررسی کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده در این است که در مقاله حاضر، دعوی قابل تجزیه و تفکیک دعوا

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، مفهوم دعوی قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه در تعدد اصحاب دعوا وقتی مطرح می‌شود که تعداد خواهان‌ها و یا خواندگان بیش از یک نفر باشد. در صورتی که حقوق و منافع اصحاب دعوا به نحوی از یکدیگر قابل تجزیه باشند که اعمال و اقدامات هر یک از آن‌ها و همچنین تصمیمات دادگاه بر خواهان‌ها یا خواندگان دیگر اثر نگذارد، به آن دعوی قابل تجزیه می‌گویند؛ در غیر این صورت این دعوا غیر قابل تجزیه است.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا مفهوم تجزیه دعوا و تفکیک دعوا، سپس دعوی قابل تجزیه در حقوق ایران و فرانسه و در ادامه، تفکیک دعوی در آئین دادرسی مدنی در ایران و فرانسه تبیین و تحلیل می‌شود.

۵-۱. مفهوم تجزیه دعوا و تفکیک دعوا

تجزیه‌پذیری دعوا وضعیتی است که در آن، حقوق اشخاص قابلیت تفکیک از یکدیگر را دارد (کورنو، ۲۰۱۲، ۲۵۷). برای مثال، برای مطالبه مبلغ چکی که در وجه سه شخص صادرشده است، هریک از آن‌ها می‌تواند به تنهایی به نسبت سهم خود اقدام کند و نیازی به انتظار برای اقامه دعوا یا حتی اعتراض به رأی دیگران نیست. حقوق اشخاص در این دعوا قابلیت تفکیک از یکدیگر را دارد و دادگاه می‌تواند با این تفکیک، نسبت به سهم هر یک از

در آئین دادرسی مدنی ایران و فرانسه به صورت تطبیقی بررسی می‌شود. هدف از این پژوهش این است که با مطالعه تطبیقی نظام قانون‌گذاری، دکتترین و رویه قضایی فرانسه معیارهای صحیحی را برای تمییز این دو نوع دعوا ارائه دهد. افزون بر آن، بررسی آثار تشخیص صحیح این دو دعوا و پیامدهای منفی عدم تشخیص این دو دسته دعوی از یکدیگر از سوی دادرس برای اداره مؤثر دادرسی مدنی که هدف نهایی آن کشف حقیقت و در نهایت اجرای عدالت است، در شمول این مقاله قرار می‌گیرد. فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که در حقوق ایران و در حقوق فرانسه، دعوی قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه در تعدد اصحاب دعوا مطرح می‌شود و چنانچه دعوی با تعدد اصحاب بر یکدیگر تأثیرگذار باشند غیر قابل تجزیه هستند و در شرایطی که تأثیرگذار نباشند به صورت تفکیک شده طرح می‌شوند.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

رسیدگی آن‌ها با چالش آئینی که موجب اطالۀ دادرسی شود، مواجه نشود(لفورت، ۲۰۰۵، ۱۴۶). در مطالعهٔ چگونگی تفکیک دعاوی، لازم است اسباب آن و میزان مداخلهٔ قانون‌گذار، دادگاه و حتی اصحاب دعوا روشن شود. طبعاً هدف از چنین مبحثی روشن شدن زوایای گوناگون تفکیک دعاوی، توسعهٔ دانش حقوق دادرسی مدنی و بهبود رویهٔ قضایی است.

۵-۲. دعوی قابل تجزیه در حقوق ایران و فرانسه

در قانون آئین دادرسی مدنی به‌صراحت به تجزیه یک دعوی به چند دعوی اشاره نشده است؛ فقط مواد ۲۹۷ و ۳۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی به قابل تجزیه بودن دعوی، غیر قابل تجزیه و تفکیک بودن رأی اشاره کرده‌اند. مادهٔ ۲۹۷ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دعوی قابل تجزیه بوده و قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد، با درخواست خواهان دادگاه مکلف به انشای رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر رسیدگی را ادامه می‌دهد». مادهٔ ۳۵۹ مقرر می‌دارد: «رأی دادگاه تجدید نظر نمی‌تواند مورد استفادهٔ غیر طرفین تجدید نظرخواهی قرار گیرد؛ مگر در مواردی که رأی صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد». البته از فحواي بعضی از مواد از جمله مواد ۱۰۵، ۱۷۱ و ۳۰۴ می‌توان تجزیهٔ یک دعوی به چند دعوی را استنباط کرد. مادهٔ ۳۵۹ تکرار مادهٔ ۵۲ قانون آئین دادرسی مدنی سابق است. در این ماده از عبارت قابل تجزیه و تفکیک استفاده شده است. استفاده از این دو مفهوم این امر را به ذهن متبادر می‌کند که این دو مترادف هستند؛ اما واقعیت این

خواهان‌ها، رأی صادر کند. اولین قدم در راه شناسایی دعوی قابل تجزیه، شناخت عناصر آن است تا از این طریق بتوان این دعوا را از دعوی غیر قابل تجزیه تمییز داد.

تاکنون تفکیک رسیدگی یا ممانعت از ادغام دعاوی، مورد بحث تفصیلی و جداگانه قرار نگرفته است و به‌طور معمول، نگاه فرعی به آن وجود دارد. به این معنا که نویسندگان محور اصلی بحث را ادغام یا تجمیع رسیدگی دعاوی قرار می‌دهند و در کنار آن به موضوع تفکیک دعاوی نیز اشاره می‌کنند(هرمزی، ۱۳۹۷، ۱۹۲). این ترتیب هرچند اشتباه نیست؛ اما موجب می‌شود که همهٔ جوانب و مسائل تفکیک دعاوی به‌درستی دیده نشود؛ از جمله مسائل مربوط به اسباب و آئین تفکیک دعاوی. به‌منظور رفع این ایراد، در این نوشته، پیش از بررسی آئین تفکیک دعاوی بر اساس اقسام دعاوی پیچیدهٔ شکلی، مطالب به نسبت مفصل در خصوص اسباب تفکیک دعاوی نگاشته شده است. تفکیک دعاوی به‌معنای خارج کردن یا مانع ادغام شدن دعاوی و بیرون راندن قالب دعوا از شمول سازمان حقوقی اخیر است(شمس، ۱۳۸۹، ج ۶۸، ۲). در نگاه دقیق، عبارت تفکیک دعاوی مربوط به حالتی است که ابتدا دادگاه، تصمیم به ادغام دعاوی را اتخاذ کرده است و جریان رسیدگی توأمان آغاز شده است؛ سپس به‌علتی، قانون یا دادگاه، تفکیک رسیدگی به دعاوی را ممکن یا لازم دانسته‌اند. این علت ممکن است آمادگی صدور حکم در بخشی از دعاوی، منتفی شدن مبانی رسیدگی توأمان یا علت ثانوی دیگر ناشی از نقض اصل حسن نیت یا قواعد دادرسی مبتنی بر آن باشد. ادارهٔ صحیح دعاوی پس از تفکیک، باید به‌نحوی باشد که فرایند

۵۲۹، ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۶۱۵ اثری ندارد». حقوق‌دانان فرانسه از این دو ماده دو اصل استخراج کرده‌اند. اصل اول، اصل نسبی بودن دعوی و اصل نسبی بودن اعمال دادرسی مدنی (سو لوس، ۱۹۹۲، ۱۹) نتیجه اصل اول آن است که اثر هر دعوایی تنها به شخصی که آن را اقامه کرده است برمی‌گردد و تنها در حق خواننده آن دعوی اثر می‌کند و نتیجه اصل دوم اینکه در صورت تعدد اطراف دعوی، آن‌ها از همدیگر مستقل می‌باشند. نخستین اثر استقلال اطراف دعوی، امکان تجزیه دعوی بین آن‌ها است» (رینود، ۱۹۶۹، ۵۵۸). البته در حقوق فرانسه همان‌گونه که ماده ۳۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی استثنائات را ذکر کرده است و در صورت تعدد اصحاب دعوی در همه موارد دعوی قابل تجزیه نیست و اصل دارای استثنائاتی است. از جمله این استثنائات در فرضی که موضوع دعوی غیر قابل تجزیه باشد؛ مثل موردی که خواسته اعلام بطلان، اقاله، تأیید فسخ قرارداد و امثال آن باشد. در اجرا نیز همین‌گونه است و محکوم‌به بین محکوم‌علیهم با توجه به میزان محکومیت آن‌ها تجزیه و هم‌چنین سهم هر یک از محکوم‌لهم (در صورت تعدد)، بین آن‌ها تقسیم می‌شود؛ مگر در فرضی که محکوم‌به قابل تجزیه نباشد (وینسنت، ۱۹۹۹، ۱۷۱). در حقوق ایران به تجزیه دعوی به چند دعوی در فرض تعدد خواهان یا خواندگان یا تعدد هر دو به‌صراحت اشاره‌ای نشده است و حقوق‌دانان به آن توجه نکرده‌اند. باوجود این همان‌گونه که اشاره شد از مواد مختلفی از جمله مواد ۱۰۵، ۱۷۱، ۳۰۴ و سایر مواد قابل استنباط است. برای بررسی بیشتر باید سه فرض را مورد بحث قرارداد.

نیست و تفکیک به وضعیتی اختصاص دارد که چند دعوی ضمن یک دادخواست طرحی چند دعوی مرتبط ضمن دادخواست‌های متعدد طرح شده است و قاضی می‌خواهد آن‌ها را باهم جمع یا از یکدیگر تفکیک کند؛ اما تجزیه اختصاص به مواردی دارد که یک دعوی به چند دعوی تجزیه می‌شود.

۵-۲-۱. تجزیه دعوی به چند دعوی با توجه به تعدد خواهان‌ها یا خواندگان

ممکن است تعداد خواهان‌ها یا خواندگان در یک دعوی بیش از یک نفر باشد. در این صورت تجزیه یک دعوی به چند دعوی امکان‌پذیر است. البته به شرطی که دعوی قابل تجزیه باشد. در حقوق فرانسه در مواردی که تعداد اصحاب دعوی بیش از یک نفر باشد، اصل را بر تجزیه‌پذیری و استقلال اصحاب دعوی می‌دانند (کادیت، ۲۰۱۳، ۳۷۶). گاه این امر را اصل تجزیه دعوی نسبت به طرفین دعوی می‌نامند. دو نفر از نویسندگان حقوقی فرانسه در این مورد می‌نویسند اطراف دعوا باهم مساوی هستند و آن‌ها برخلاف تعدادشان مستقل از همدیگر هستند. علی‌الأصول قانون این امر را با تعدیلاتی پذیرفته است.

ماده ۳۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه در فرضی که اصحاب دعوی متعدد باشند، مقرر می‌دارد: «هنگامی که خواهان و خوانده چند نفر می‌باشند، هر یک از آن‌ها دارای حقوق و تکالیف خاص خود در دادرسی هستند». ماده ۳۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد اصحاب دعوی اقدامات انجام‌شده توسط هر کدام نسبت به دیگران به جزء موارد مذکور در مواد ۴۷۵،

۵-۲-۲. تعدد خواهان‌ها در یک دعوی

در فرضی که چند نفر علیه یک نفر اقامه دعوی می‌کنند (خواهان‌ها متعدد و خوانده واحد است)، امکان تجزیه دعوی وجود دارد. برای مثال سه نفر به موجب یک قرارداد، مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان از خوانده طلبکار هستند و سهم هر کدام مساوی است. حال هر سه به‌عنوان خواهان دعوایی به خواسته ۵۰۰ میلیون تومان علیه متعهد سند (خوانده) اقامه می‌کنند. در چنین دعوایی امکان تجزیه دعوی وجود دارد؛ زیرا ممکن است یک یا دو نفر از خواهان‌ها با خوانده در مورد سهم خود از خواسته مصالحه کنند (ماده ۱۷۹ قانون آئین دادرسی مدنی). در این صورت اگر مصالحه خارج از دادگاه باشد و به دادگاه ارائه نشود، دو خواهانی که مصالحه کرده‌اند، می‌توانند دعوی خود را به نسبت سهمشان از وجه چک استرداد کنند و دادگاه در مورد این قسمت قرار رد دعوی صادر می‌کند و دعوی خواهان دیگر ادامه می‌یابد. اگر مصالحه به دادگاه ارائه شود دادگاه در مورد دو خواهانی که مصالحه کرده‌اند اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌کند و در مورد خواهان دیگر رسیدگی را ادامه می‌دهد. پس در این فرض یک دعوی به دو دعوی تجزیه می‌شود. در صورتی که خواهان‌ها چند نفر باشند و خواسته قابل تجزیه باشد، با توجه به تصمیم خواهان‌ها یا فوت یا حجر یکی از آن‌ها (ماده ۱۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی)، امکان تجزیه یک دعوی به چند دعوی، در صورت قابل تجزیه بودن خواسته وجود دارد.

۵-۲-۳. تعدد خواندگان در یک دعوی

ممکن است در دعوایی خواهان یک نفر و خواندگان دو یا چند نفر باشند. در چنین دعوایی اگر خواسته قابل تجزیه باشد، تجزیه یک دعوی به چند دعوی امکان دارد. برای مثال خواهان شش دانگ ملکی را از ۶ نفر خریده است. حال فروشندگان حاضر به حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی نیستند، خریدار به‌ناچار دعوایی به خواسته الزام به تنظیم سند علیه آن‌ها طرح می‌کند. در چنین دعوایی هم امکان مصالحه با یکی یا تعدادی از خواندگان وجود دارد (ماده ۱۷۹ قانون آئین دادرسی مدنی) هم فوت یا حجر یکی از طرفین تأثیری در دادرسی نسبت به دیگران ندارد (البته در این فرض باید قائل به تفکیک شد؛ مثلاً اگر خواندگان ادعای فسخ، اقاله یا بطلان قرارداد را بکنند، دیگر دعوی قابل تجزیه نیست). در همین فرض اگر در مورد بعضی از خواندگان به دلیل وصول پاسخ استعلام ثبتی پرونده معد صدور حکم باشد (ماده ۲۹۸) در این صورت قاضی دعوی را تجزیه و نسبت به قسمتی دادرسی را ادامه و نسبت به قسمتی تصمیم مقتضی حسب مورد، توقف دادرسی، گزارش اصلاحی یا حکم صادر می‌کند. بنابراین در چنین فرضی دعوی با توجه به تعداد خواندگان به چند دعوی تجزیه می‌شود.

۵-۲-۴. تعدد خواهان‌ها و خواندگان در یک**دعوی**

در فرضی که خواهان‌ها و خواندگان متعدد باشند و در صورتی که حق مورد نزاع قابل تجزیه باشد، فوت یا حجر، سازش و مصالحه و نیز آماده صدور حکم بودن

این فرض و فرض‌های مشابه امکان تجزیه دعوی وجود دارد. همان‌گونه که ملاحظه شد در اکثر دعاوی، امکان تجزیه دعوی وجود دارد، بنابراین می‌توان گفت در دعاوی ظاهر بر قابل تجزیه بودن دعوی است؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، این ظاهر از مواد ۱۰۵، ۱۷۹ و ۲۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی قابل استنباط است.

۵-۳. تفکیک دعوی در دادرسی مدنی ایران و فرانسه

سؤال این است که به چه دلیل ممکن است یا باید دعاوی تفکیک شوند؟ از مطالعه قانون چنین به دست می‌آید که تفکیک ممکن است به صورت اجباری و به حکم قانون صورت گیرد یا بنابر تشخیص و صلاحدید دادگاه باشد. حسب بررسی صورت گرفته، به نظر دو مبنای کلی برای تفکیک دعاوی وجود دارد: تفکیک صلاح‌دید یا قضایی، تفکیک اجباری یا حکمی. صورت نخست، مربوط به منتفی شدن مبانی نظری ادغام دعاوی و مطلوب نبودن ادامه رسیدگی توأمان به تشخیص دادگاه است و صورت دوم مربوط به واکنش قانون‌گذار به سوءاستفاده از قواعد و تلاش برای انحراف دادرسی است.

۵-۳-۱. تفکیک صلاح‌دید یا قضایی

جلوگیری از صدور آرای متعارض، احاطه بهتر دادگاه به جنبه‌های موضوعی و حکمی قضیه، افزایش کیفیت دادرسی (الماسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۴۷) و به تعبیر دیگر کاستن هزینه‌ها و کاهش اطاله زمانی دادرسی، از اهداف اصلی ادغام دعاوی است. با وجود این، ممکن است پس از ادغام دعاوی و آغاز رسیدگی

بین هر کدام، از موجبات تجزیه دعوی است. برای مثال اگر ۶ نفر شش دانگ ملکی را از ۶ نفر به ثمن یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان خریداری کرده باشند و سپس قرارداد فسخ و فروشندگان از بازگرداندن ثمن خودداری کنند و در نتیجه ۶ نفر خریدار ناچار به اقامه دعوی علیه ۶ نفر فروشنده به خواسته استرداد یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان شوند، در اینجا امکان مصالحه، توقف دادرسی نسبت به بعضی در نتیجه حجر یا فوت و هم‌چنین صدور حکم در قسمتی از دعوی وجود دارد. بنابراین در این فرض نیز یک دعوی به چند دعوی تجزیه می‌شود (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۷۶).

۵-۲-۵. خواهان یک نفر و خوانده یک نفر در یک دعوی

در دعاوی که خواهان و خوانده یک نفر بوده و خواسته نیز یک حق است، امکان تجزیه با توجه به خواسته وجود دارد. برای مثال اگر شخصی شش دانگ ملکی را به دیگری فروخته باشد؛ اما در موعد مقرر اقدام به تنظیم سند رسمی نکرده باشد و خریدار ناچار به اقامه دعوی به خواسته الزام تنظیم سند علیه فروشنده شده است، دادگاه از ثبت استعلام می‌کند و معلوم می‌شود چهار دانگ ملک به نام فروشنده و امکان صدور حکم وجود دارد؛ اما دو دانگ دیگر فعلاً به هر دلیلی به نام فروشنده نیست. در این صورت دادگاه دعوی را تجزیه نمی‌کند و نسبت به چهار دانگ حکم به الزام به تنظیم سند در حق خریدار و نسبت به دو دانگ قرار عدم استماع دعوی صادر می‌کند (الماسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۴۷). پس در

پیش از صدور رأی، ابتدا وضعیت آمیختگی دعاوی پایان می‌یابد و دعاوی تفکیک می‌شوند و سپس در مرتبه دوم، در قسمتی از دعوا رأی صادر می‌شود. در نتیجه تفکیک رسیدگی به تجزیه رأی منجر می‌شود (پورااستاد و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۰۵). به تعبیر دیگر، تجزیه صدور رأی، نتیجه تفکیک قبلی رسیدگی دعاوی ادغام‌شده است. اتخاذ چنین ترتیبی، در صلاحیت دادگاه است و درخواست، موافقت یا مخالفت اصحاب دعوا اصولاً تأثیری در آن ندارد. ماده ۱۰۴ ق.آ.د.م در مقام بیان این اختیار دادگاه است. در ماده ۱۰۴ که البته نگارش آن مبهم است، تجزیه‌پذیر بودن خواسته، وارد در موضوع نشده است و باید با وجود استفاده مفرد و مطلق از کلمه دعوا، مفاد این ماده را تفسیر موسع کرد و ناظر بر دعاوی متعدد دانست که دادرسی آن‌ها در قالب رسیدگی توأمان صورت پذیرفته است (محسنی، ۱۳۹۷، ۲۲۱). برخلاف نظر برخی حقوق‌دانان (شمس، ۱۳۸۷، ج ۳، ۵۶) در ماده ۲۹۸، موضوع، خواسته واحد تجزیه‌پذیر است که بخشی از آن برای مثال به دلیل اقرار جزئی خوانده، مقتضی صدور رأی است. در این حالت دادگاه نمی‌تواند بدون کسب اجازه ذی‌نفع رأی جزئی صادر کند؛ زیرا این مسئله موجب تجزیه دین می‌شود، امری که اصولاً بدون رضایت دائن امکان‌پذیر نیست (ایزانلو و دیگران، ۱۳۸۸، ۹۱). باید توجه داشت اصل تجزیه‌پذیری (محسنی، ۱۳۹۷، ۲۱۹). اصلی انتزاعی و ذهنی است و در عمل به دلیل آثار سوء ناشی از تجزیه دعاوی که موجب اخلال در دادرسی می‌شود، صرفاً در موارد محدود آثار آن، از سوی قانون‌گذار، برای نمونه در سازش اصحاب متعدد دعاوی تجزیه‌پذیر (ماده ۱۷۹ ق.آ.د.م) و تجزیه صدور رأی

توأمان، بر اثر استماع دفاعیات طرفین و بررسی امور ماهوی دو پرونده یا توجه به میزان پیشرفت رسیدگی هر دعوا، دادگاه تشخیص دهد، دلیلی برای ادامه رسیدگی توأمان وجود ندارد و چنین امری منطبق با قضاوت شایسته نیست. چنین تشخیصی خود ناشی از دو مسئله است؛ یا یکی از دعاوی معد صدور رأی است و معطل گذاردن آن تا خاتمه رسیدگی به دعاوی دیگر موجب اطاله دادرسی است. یا اینکه رسیدگی به دعاوی باید ادامه یابد؛ اما با تحلیل مجدد سطح ارتباط آن‌ها در می‌یابیم که دلیلی بر توأمان بودن رسیدگی از ابتدا وجود نداشته است یا وجود داشته است و بعدتر منتفی شده است.

۵-۳-۱. اسباب تفکیک قضایی دعاوی

الف. صدور جزئی رأی

با آغاز رسیدگی توأمان، دادگاه با دعاوی متعددی مواجه است که گاهی نحوه و زمان مورد نیاز برای رسیدگی به آن‌ها یکسان نیست. در نتیجه، ممکن است پس از جلسه اول رسیدگی، یک یا چند دعوا معد صدور رأی باشد و دعاوی دیگر نیازمند ادامه رسیدگی و انجام ترتیباتی مانند کارشناسی باشد. در اینجا قضاوت شایسته ایجاب می‌کند، دادگاه با تفکیک رسیدگی، در قسمت معد صدور رأی تصمیم‌گیری کند و نسبت به قسمت‌های دیگر رسیدگی ادامه یابد. قانون‌گذار مجوز چنین ترتیبی را در مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی (ق.آ.د.م) صادر کرده است. تفکیک رسیدگی به این علت، به صدور رأی در بخشی از دعوا و ادامه رسیدگی بخش دیگر منجر می‌شود. در این حالت،

در دعوی تجزیه پذیر (ماده ۲۹۸ ق.آ.د.م) پذیرفته شده است.

۵-۳-۱-۲. بازتاب اسباب تفکیک در قانون دو کشور

ب. تفکیک به سبب رسیدگی مستقل

با شناخت دو نوع از اسباب تفکیک قضایی، اینک لازم است، نحوه انعکاس آن‌ها در قانون مطالعه شود. قانون آئین دادرسی، نخستین بار در دعوی هم‌زمان، موضوع ماده ۶۵ ق.آ.د.م به این موضوع اشاره کرده است. بر اساس ماده ۶۵ در صورت فقدان ارتباط کامل یا ناتوانی در رسیدگی هم‌زمان به چند دعوی فاقد ارتباط کامل، دادگاه: «... دعوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت، نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید». در این حالت به معنای دقیق تفکیک دعوی موضوعیت ندارد؛ بلکه منظور خودداری از پذیرش ادغام دعوی است. در دعوی هم‌زمان ممکن است دعوی مطابق ماده ۶۵ دارای ارتباط کامل نباشند؛ اما از سطحی از ارتباط برخوردار باشند که رسیدگی توأمان به آن‌ها موجب قضاوت شایسته شود. در این صورت آیا دادگاه می‌تواند پس از ادغام دعوی و در میانه رسیدگی توأمان، از تصمیم خود عدول کند؟ در پاسخ باید توجه داشت تفکیک دعوی یک تصمیم اداره‌ای است و دادگاه اصولاً از توان لازم برای ارزیابی این امور برخوردار است. در دعوی طاری قانون‌گذار در قسمت دوم ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م اولین اشاره را به تفکیک صلاحیدیدی به معنای دقیق کرده است. ماده ۱۳۳: «هرگاه دادگاه احراز نماید که ... رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نیست، دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند».

ممکن است دادگاه از ادغام دعوی، دریابد که از ابتدا اتخاذ چنین تدبیری لزومی نداشته است یا پس از شروع رسیدگی بر اثر استماع دفاعیات اصحاب دعوا یا دلیلی دیگر، استمرار رسیدگی توأمان مغایر قضاوت شایسته تشخیص داده شود. در این حالت، رسیدگی به هیچ‌یک از دعوی خاتمه نیافته است؛ اما دلیلی برای توأمان بودن آن وجود ندارد. در قانون در خصوص این موضوع تقریباً سکوت شده است و تبعاً رویه قضایی نیز تمایل کمی به چنین ترتیبی دارد. به‌ویژه در مورد دعوی مرتبط و هم‌زمان، عملاً کمتر رخ می‌دهد که یک یا چند دادگاه، دعوی مرتبط را با یکدیگر ادغام کنند و سپس در میانه رسیدگی آن‌ها را به قصد رسیدگی مستقل از یکدیگر تفکیک کنند. به‌طور معمول، پس از ادغام دعوی، دادگاه، دادرسی دعوی را تا خاتمه رسیدگی به صورت توأمان پیش می‌برد و سپس به موجب حکم واحد رأی صادر می‌کند. شاید به همین دلیل، در متون قانونی، این نوع تفکیک کمتر مورد اشاره قرار گرفته است. با وجود این، به صورت نظری، واگذاری ارزیابی این مهم به دادگاه هم‌سو با تفکرات نوین حقوق دادرسی در توسعه توان اداره‌ای (وینسنت و گینچارد، ۲۰۰۳، ۲۵۴)، دادگاه است (کادیت، ۲۰۰۸، ۱۵۰-۱۳۳).

مادهٔ ۳۲۶ ق.آ.د.م. ف نیز به خطر اطالهٔ غیر ضروری اشاره شده است (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۶۴)، به نظر می‌رسد قانون‌گذار فرانسه، ترجیح داده است به‌طور استثنایی، سطح مداخلهٔ خود در ادارهٔ دادرسی را افزایش دهد و رأساً موارد اطالهٔ غیر ضروری و مجوز تفکیک دعاوی را بررسی کند تا از تشتت رویهٔ قضایی جلوگیری شود. با وجود این، دادگاه نیز اختیار لازم را مطابق عمومات مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.آ.د.م.ف دارد. برخلاف قانون فرانسه، قانون ایران در خصوص این نکته ساکت است. تصریح به نکتهٔ اخیر، مفید این است که دادگاه‌ها مبانی صحیح تفکیک دعاوی را بهتر خواهند شناخت.

۵-۳-۲. تفکیک اجباری یا حکمی

در ادامه، ابتدا اسباب تفکیک حکمی مطرح و سپس انعکاس آن در مقررات بررسی شده است.

۵-۳-۱. اسباب تفکیک حکمی

سبب دیگری که ممکن است موجب تفکیک دعاوی ادغام‌شده شود، اقدام برای ایجاد انحراف در مسیر صحیح رسیدگی و اخلاص در قضاوت شایسته است. در این موارد، قانون‌گذار، معمولاً به‌دلیل اهمیت اصول دادرسی از جمله اصل حسن نیت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۲۳) و قاعدهٔ لاضرر و منع سوءاستفاده از حق که جملگی از مبانی نظری مؤثر در سازمان حقوقی‌اند (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۳۰)، رأساً دستور تفکیک دعاوی را صادر و دادگاه را مکلف به اجرای این ترتیب می‌کند. هیچ‌یک از اصحاب دعوا

در این ماده جواز قانونی تفکیک دعاوی با توجه به قید هرگاه، مربوط به دو مقطع زمانی اقامهٔ دعاوی طاری و بعد از ادغام آن با دعاوی اصلی است. فرض اول مصداق خودداری از ادغام دعاوی و فرض دوم تفکیک صلاح‌دید دعاوی به‌دلیل احراز بعدی فقدان ارتباط کامل میان دعاوی ورود ثالث با دعاوی اصلی است. قانون‌گذار، در این ماده، به شاخص ارتباط «منوط به» اشاره کرده است که به‌منظور انسجام معنایی مقررات، باید آن را مرادف اصطلاح ارتباط کامل معنا کرد (احمدی، ۱۳۹۴، ۳۵). اهمیت این ماده از این حیث است که تنها مادهٔ قانون آئین دادرسی مدنی است که به شأن یا توان دادگاه در تفکیک صلاح‌دید دعاوی پس از ادغام اولیه، اشاره کرده است. اگرچه در نگاه دقیق، فقدان احراز ارتباط به‌معنای فقدان شرایط دعاوی طاری و طاری نبودن دعاوی ثالث است؛ اما به هر ترتیب مصداقی از تفکیک دعاوی است. در دعاوی جلب شخص ثالث قانون ساکت است. در دعاوی متقابل ذیل مادهٔ ۱۴۱ ق.آ.د.م آمده است: «... و چنانچه دعوا متقابل نباشد در دادگاه صالح به‌طور جداگانه رسیدگی خواهد شد». در فرض مادهٔ اخیر، دعاوی طرح‌شده، فاقد وصف طاری بودن است و موضوع مشابه ذیل مادهٔ ۶۵ قانون آ.د.م و در واقع ممانعت از ادغام دعاوی است نه تفکیک دعاوی. بنابراین، صرفاً یک مادهٔ قانونی به‌نحو ناقص به تفکیک صلاح‌دید دعاوی اشاره کرده است. باید توجه داشت صرف اطالهٔ دادرسی موجب تفکیک رسیدگی نخواهد شد؛ مگر اینکه اطاله بسیار غیر متعارف باشد. نکته‌ای که در مادهٔ ۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه (ق.آ.د.م.ف) نیز به آن توجه شده است. در این صورت، ممکن است قانون‌گذار مجوز تفکیک دعاوی را برای دادرس صادر کند. در

یکی از اصحاب دعوا ممانعت شود. طبعاً هرچه توان اداره‌ای یا مدیریتی دادگاه نسبت به دادرسی بالاتر باشد و ابزارهای بهتری در اختیار وی قرار گیرد، نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

۵-۳-۲. بررسی قانون تفکیک حکمی

با نگاه استقرایی به قانون آئین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ درمی‌یابیم که سه ماده قانونی به‌صورت پراکنده به بحث حاضر مربوط است: مواد ۱۰۹، ۱۳۳ و ۱۳۹. در نتیجه یک قاعده عمومی ضمانت اجرا برای دفع اقدامات آئینی با سوءنیت، تاکنون در قانون داخلی تدوین نشده است. تبصره ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م اولین ماده قانونی نزدیک به بحث است: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تأخیر در انجام تعهد به ایذای طرف یا غرض‌ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیئه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید». ضمانت اجرای مزبور شامل تمامی دعاوی مدنی اعم از اصلی یا طاری می‌شود. در تبصره مزبور، سه اقدام قید شده است. توضیح آنکه، اقامه‌کننده دعوا باید ادعای تزییع حق خود را داشته باشد و به‌منظور استیفای آن به دادگاه مراجعه کند؛ درحالی‌که گاه شاهد مواردی هستیم که اغراض نامشروع دیگری در میان است. ماده ۱۰۹ سه مورد از این اغراض را برشمرده است؛ اما این موارد حصری نیستند و تلاش برای انحراف دادرسی از جریان صحیح ممکن است به اشکال‌گوناگون بروز کند. هرچند وجه مشترک همه آن‌ها تلاش برای منحرف کردن دادرسی از مسیر صحیح و اخلال در قضاوت شایسته است. در عمل یکی از مجاری اصلی بروز

نمی‌تواند با نقض اصل حسن نیت و سوءاستفاده از سازوکارهای آئینی، تلاش کند دادرسی را از مسیر صحیح منحرف سازد. چنین اقدامی از یک‌سو با ایجاد اطاله دادرسی موجب اتلاف منابع عمومی دستگاه قضا می‌شود و از سوی دیگر با ایجاد تأخیر رسیدگی یا فریب دادگاه، مانع دائمی یا موقتی در احقاق حق ایجاد می‌کند. اصحاب دعوا تکلیف دارند دادگاه را در تحقق عدالت یاری کنند (محسنی، ۱۳۹۳، ۱۱۷). واکنش اصلی به‌منظور جلوگیری از به ثمر رساندن این هدف از طریق تفکیک دعوی است؛ زیرا اگر در آغاز اجازه ندهیم دعوی اقامه‌کننده با سوءنیت وارد سازمان حقوقی دعوی پیچیده شکلی شود، تا حد زیادی پاسخ لازم داده شده است. تفکیک دعوی در اینجا، علاوه بر سازوکاری برای اداره صحیح رسیدگی، به‌عنوان ضمانت اجرای دفع اقدام برخلاف حسن نیت به‌کار گرفته شده است. به هر روی، اصحاب دعوا، باید در تمام مراحل دادرسی الزامات اصل حسن نیت را رعایت و از سوءاستفاده از حق اجتناب کنند. در غیر این صورت با ضمانت اجرای آئینی مواجه خواهند شد. نقص این تعهد، دو زیان به‌همراه دارد؛ زیان نخست متوجه قوه قضائیه است که در مقام عمل به یکی از وظایف ذاتی حکومت است و آن را با اشکال مواجه می‌کند. زیان اخیر به جنبه حقوق عمومی آئین دادرسی مدنی و نقض قواعد آمره مربوط است. این مسئله در نوع ضمانت اجرای تحمیل‌شده بر اصحاب دعوا مؤثر است. برای مثال، اقدام‌کننده با سوءنیت، باید زیان را در وجه دولت برای نمونه از طریق پرداخت جریمه مدنی جبران کند. زیان دوم متوجه اصحاب دیگر دعوا اعم از واحد یا متعدد است. باید ابزارهای آئینی لازم از سوی قانون‌گذار در اختیار دادگاه قرار گیرد تا از به ثمر نشستن اقدام ناصواب

قانونی نکاتی وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نخست، قید زمانی «هرگاه». ممکن است دادگاه هنگام اقامهٔ دعوا متوجه سوءنیت اقدام‌کننده شود یا بعداً در اثنای رسیدگی چنین امری را دریابد. در فرض اول موضوع ممانعت از ادغام و در فرض دوم تفکیک دعاوی است. استفاده از قید زمانی هرگاه برای بیان این نکته است که دادگاه در هر مقطع زمانی امکان استناد به ترتیب این مواد اخیر را دارد. دوم، تفکیک دادخواست و تفکیک رسیدگی. اگر دادگاه هنگام اقامهٔ دعوا و پیش از تصمیم‌گیری در خصوص آمیختگی دعاوی، از سوءنیت مطلع شود، تصمیم او مربوط به تفکیک دادخواست‌ها و تصمیم‌گیری جداگانه است و استفاده از اصطلاح تفکیک دعاوی دقیق نیست. اگر پس از ادغام دعاوی از چنین امری مطلع شود، موضوع تفکیک دعاوی است. در نتیجه، این اصطلاحات در دو مادهٔ مورد بحث، به صورت دقیق به کار نرفته است. سوم، توانایی یا تکلیف. لحن مادهٔ ۱۳۳ ق.آ.د.م در ورود شخص ثالث آمره است و در مادهٔ ۱۳۹ از عبارت «می‌تواند» استفاده شده است. گویی در مادهٔ ۱۳۳ تکلیف وجود دارد و در مادهٔ ۱۳۹ اختیار؛ درحالی‌که موضوع دو ماده ظاهراً لاقلاً از حیث تأخیر در رسیدگی مشترک است. ممکن است در مقام تفسیر اصولی لحن مادهٔ ۱۳۹ را حمل بر احترام قانون به دادگاه و باطن آن را آمره و تکلیفی محسوب کنیم. هم‌چنین می‌توان گفت که رسیدگی به دعاوی اصلی هرگز متوقف بر دعاوی وارد ثالث نیست؛ اما رسیدگی جداگانه به دعاوی اصلی ممکن است موجب تعارض آرای دو پرونده شود. در نتیجه قانون‌گذار به دادگاه اختیار داده است، حتی در فرض احراز سوءنیت اقامه‌کننده، به دلیل محذورات آئینی، همچون جلوگیری از صدور

چنین حالتی این است که پس از اقامهٔ دعوا و ابلاغ وقت رسیدگی به خواندگان، ایشان متوجه ابتکار عمل طرح دعوا از سوی خواهان‌ها می‌شوند. در این مقطع خواندگان به‌طور معمول با بررسی جوانب امر تا حدی از نتیجهٔ دعوا آگاهی اجمالی به دست می‌آورند و ممکن است خود را در معرض محکومیت بیابند. در اینجا ممکن است راهکارهای تزویرآمیز ایجاد اختلال در دادرسی به ذهن خطور کند و اعمال آن موجب نقض تعهد اخلاقی - حقوقی حسن نیت شود. وکیل دادگستری نیز در تعامل خود با موکل باید هوشیار باشد و در پیمودن مسیر انحرافی موکل را یاری نکند و تذکرات لازم را به او دهد؛ زیرا او سوگند یاد کرده است. «... جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم...». به هر حال، طرح دعاوی مرتبط یا طاری گاهی با هدف اخلال در رسیدگی از طریق ایجاد پیچیدگی بیهوده، اطالهٔ رسیدگی و فریب دادگاه در امور موضوعی و حکمی است. ممکن است دادگاه هنگام اقامهٔ دعوا از چنین امری آگاه شود یا پس از آمیختگی دعاوی به آن علم حاصل کند. قسمت نخست مادهٔ ۱۳۳ ق.آ.د.م و مادهٔ ۱۳۹ ق.آ.د.م ضمانت اجرایی نسبتاً مناسب برای این حالت پیش‌بینی کرده‌اند. به موجب مادهٔ ۱۳۳ ق.آ.د.م: «هرگاه دادگاه احراز کند که دعاوی ثالث به منظور تبانی یا تأخیر رسیدگی است، دعاوی ثالث را از دعاوی اصلی تفکیک نموده، به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند»، مادهٔ ۱۳۹ ق.آ.د.م نیز مقرر می‌دارد: «... هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تأخیر رسیدگی است، می‌تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند». در این دو ماده

از سوی ذی‌نفع‌های متعدد به صورت یک‌جا و توأمان رسیدگی کند.

قانون‌گذار ایران در مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ قانون جدید آ.د.م، مقرراتی را در رابطه با تجزیه دعوی آورده است؛ اما مفهوم تجزیه دعوی را بیان نکرده است و معیاری برای شناسایی آن نیز تعیین نکرده است. علاوه بر آن در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ از همان قانون به اثر رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک در مرحله اعتراض به آراء اشاره کرده است. در واقع قانون‌گذار با وجود به کار بردن متعدد این اصطلاح، تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد. اما این موضوع در حقوق فرانسه به صورت صریح مورد تصریح قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد مفهوم دعوی قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه در تعدد اصحاب دعوا وقتی مطرح می‌شود که تعداد خواهان‌ها و یا خواندگان بیش از یک نفر باشد. در صورتی که حقوق و منافع اصحاب دعوا به نحوی از یکدیگر قابل تجزیه باشند که اعمال و اقدامات هر یک از آن‌ها و هم‌چنین تصمیمات دادگاه بر خواهان‌ها یا خواندگان دیگر اثر نگذارد، به آن دعوی قابل تجزیه می‌گویند؛ در غیر این صورت این دعوا غیر قابل تجزیه است.

تعیین معیارهایی برای تشخیص این دو دعوا از یکدیگر، متضمن آثار مثبت هم برای وکلای دادگستری و هم دادرسان دادگاه‌ها است. در صورتی که وکیل دادگستری قبل از تصمیم به اقامه دعوا به‌طور صحیح تشخیص دهد که دعوا قابل تجزیه و یا غیر قابل تجزیه است، این امکان وجود دارد که اگر دعوا قابل تجزیه باشد، آن را طرح کند و اگر غیر قابل تجزیه باشد، در صورتی دعوا را مطرح نماید که خواهان‌های متعدد بر سر استراتژی واحد توافق

احکام متعارض، رسیدگی توأمان را ترتیب دهد. تفسیر اخیر با تفکرات نوین حقوق دادرسی در گسترش توان تشخیصی و اداره‌ای دادگاه نیز سازگار است (محسنی، ۱۳۹۳، ۶۹). در فرانسه نیز ضمانت اجراهای متناسبی در قانون آمده است. مطابق ماده ۳۲-۱ قانون آ.د.م فرانسه اصلاحیه ۲۰۰۵ شخصی را که به شیوه تأخیر یا سوءاستفاده به دادگستری مراجعه می‌کند، می‌توان به حداکثر ۳۰۰۰ یورو جریمه مدنی محکوم کرد، علاوه بر ضرر و زیان مدنی که اعلام خواهد شد. این ماده بیان‌کننده قاعده برای همه دعوی مدنی است. مفاد این ماده سپس در ذیل ماده ۱۱۸ اصلاحی ۲۰۱۲ بازتاب یافته است. اما در مورد اقامه با سوءنیت دعوی طاری، اگرچه ماده ۳۲۶ ق.آ.د.م.ف به بیم ایجاد تأخیر در صدور رأی، تصریح کرده است، منظور تأخیر عملی است و در نتیجه این ماده منطبق با بحث حاضر نیست. بنابراین، در این قانون، ماده مستقلی به تفکیک دعوی به دلیل سوءنیت اقامه‌کننده و تفکیک به این دلیل اختصاص نیافته است و موضوع تحت عمومات مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.آ.د.م.ف قابل ارزیابی است.

۶. نتیجه

در صورتی که دعوا غیر قابل تجزیه باشد، امکان تفکیک حقوق ذی‌نفع‌های متعدد وجود ندارد. بنابراین، احتمال صدور آرای معارض افزایش می‌یابد. جلوگیری از صدور آرای معارض نیز اشخاص را به شیوه‌های فوق‌العاده شکایت، یعنی فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی سوق می‌دهد و هزینه‌های اضافی نیز بر ملت و دولت تحمیل می‌کند. پس در دعوایی غیر قابل تجزیه، دادگاه باید به تمامی دعوی مطرح شده

هیچ‌یک از نصوص قانونی به‌صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است اما می‌توان آن را از بعضی مواد ق.آ.د.م. استنباط کرد (ماده ۶۵ ق.آ.د.م). این ماده به‌طور ضمنی اشاره به این دارد که از نظر حقوق دعاوی، هر دادخواست باید فقط در مورد یک حق باشد نه حقوق متعدد. همچنین ماده ۱۰۳ که جمع بین دعاوی را مقرر نموده، جمع بین دعاوی را در فرضی جایز دانسته است که بین دو دعوی ارتباط کامل باشد. بنابراین مفهوم مخالف این ماده این است که اگر بین دو دعوی ارتباط کامل وجود نداشته باشد، باید به‌صورت جداگانه رسیدگی شوند.

۷. سهم نویسندگان

همهٔ نویسندگان به‌طور یکسان در نوشتن این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در نوشتن و چاپ این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

داشته باشند. برای مثال، در دعاوی غیر قابل تجزیه کارفرمایان، اگر یکی از آنان فسخ قرارداد و دیگری الزام به ایفای تعهدات قراردادی را درخواست کند و دادرسان نیز این دو دعاوی را به‌طور دقیق از یکدیگر تشخیص دهند، می‌توانند از صدور احکام معارض جلوگیری کنند.

در صورتی که دعاوی غیر قابل تجزیه باشد، امکان تفکیک حقوق ذی‌نفع‌های متعدد وجود ندارد. در نتیجه احتمال صدور آرای معارض افزایش می‌یابد. جلوگیری از صدور آرای معارض نیز اشخاص را به شیوه‌های فوق‌العاده شکایت، یعنی فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی سوق داده، هزینه‌ای اضافی نیز بر ملت و دولت تحمیل می‌کند. پس در دعاوی غیر قابل تجزیه، دادگاه باید به‌تمامی دعاوی مطرح‌شده از سوی ذی‌نفع‌های متعدد به‌صورت یک‌جا و توأمان رسیدگی کند.

به نظر می‌رسد که یافتن دقیق مفهوم تجزیه دعاوی در گرو شناسایی دقیق ارکان و معیارهای تمیز دعاوی قابل تجزیه باشد. اما قبل از آن می‌بایست اشاره نمود، قاعده این است که به هر دعوی به‌صورت جداگانه رسیدگی شود، چراکه تعدد دعاوی‌ای که ضمن یک دادرسی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، موجب دشواری و اطالهٔ دادرسی خواهد شد و به علاوه صدور حکم در مورد آن‌ها مشکل‌تر خواهد بود و حتی ضرورت رسیدگی توأمان به حقوق اشخاص مختلف چه در اقامه دعاوی و چه در اعتراض به رأی، حقوق اشخاص را با محدودیت‌هایی روبرو می‌کند؛ بنابراین رسیدگی سریع، منظم و عادلانه که قواعد دادرسی مدنی به‌منظور آن وضع شده است، اقتضا می‌کند که به هر دعوی به‌صورت جداگانه رسیدگی شود. این اصل در

منابع

فارسی

- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ چهاردهم، تهران، دراک، ۱۳۸۷.

- الماسی، نجادعلی؛ حبیبی درگاه، بهنام، «درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد»، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۱.

- محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

- محسنی، حسن، برگردان قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.

- محسنی، حسن، «مفهوم و آئین دادرسی دعوا و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک»، مجله حقوق خصوصی (دانشگاه تهران)، شماره سی‌وسه، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

- محسنی، حسن، «مفهوم و آئین دادرسی دعوا و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک»، مجله حقوق خصوصی، شماره دوم، ۱۳۹۷.

- هرمزی، خیرالله، «جمع و تفکیک بین دعاوی و مقایسه آن با تجزیه یک دعوا به چند دعوا در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره بیست‌وسوم، ۱۳۹۷.

لاتین

- Cadiet L, "Case management judiciaire et déformalisation de la procédure, (Legal Case Management and Deformalisation of Procedure)", *Revue française*

- اتابکی فاطمه، اتابکی؛ هاشمی باجگانی، سیدجعفر، «انواع دعاوی بین اشخاص مختلف با تأکید بر دعاوی غیر قابل تجزیه و تفکیک»، تهران، سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی، ۱۳۹۵.

- احمدی، خلیل، «اثر رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک در مراحل مختلف شکایت از رأی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره شصت‌وننه، ۱۳۹۴.

- احمدی، خلیل، «مفهوم و آثار عبارات ارتباط کامل داشتن، منوط بودن، مرتبط بودن و هم منشأ بودن دعاوی در قانون آئین دادرسی مدنی»، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره شصت‌ونهم، ۱۳۹۴.

- ایزانلو، حسن؛ میرشکاری، عباس، «نقد مفهوم و آثار طلب مشاع»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره دوم، ۱۳۸۸.

- پوراستاد، مجید؛ اقبال‌اسگویی، ندا، «تجزیه‌پذیری و تجزیه‌ناپذیری دعاوی مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره دوم، ۱۳۹۶.

- دهقانی فیروزآبادی، حسین، حسن نیت در دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹.

- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ بیست‌وچهارم، تهران، دراک، ۱۳۸۹.

d'administration publique, No. 125, 2008, pp. 133-150.

- Cadiet, Loic- jeuland, Emmanuel, Droit judiciaire privé, 8 édition, lexis Nexis, 2013, p;376.

- cornu, Gérard – foyet, jean, Procédures civiles de première instance, 3 édition, puf, 2012, p;257.

-Jean, Vincent - prevault, Jacques, 1999, p;171.

- Lefort, Christopher, Procédure civile, 2 édition, Dalloz, 2005, p;146.

- Raynaud, paul, Rev Trim dr civ, obs, 1969, p;558.

- Solus, Henry - perrot, Roger, Droit judiciaire privé, 3 sirey, tome, 1992, p;19.

- Vincent, Jean - Guinchard, serge, Procédure civile, 24 édition, Dalloz, 2003, p;254.

